

بیانات مقام معظم رهبری در خصوص تشکیلات اسلامی



وزارت فرهنگ و ایشاد اسلامی
ساده‌هاست که کانون‌های فرهنگی هنر-مساجد کشور (نمسا)



معاونت ساماندهی و شبکه‌سازی

کانون‌های فرهنگی هنری مساجد

الحمد لله
الكریم

فهرست

۳	پیشگفتار.....
۳	مقدمه.....
۴	بیانات مقام معظم رهبری در خصوص تشکیلات.....
۴	تعریف تشکیلات.....
۴	ضرورت های تشکیلات.....
۴	ضرورت داشتن هدف.....
۵	حل شدن در تشکیلات.....
۶	خصوصیات تشکیلات.....
۶	حفظ شعارها.....
۷	پایندی به اصول.....
۷	همدلی در تشکیلات.....
۸	کنار گذاشتن اختلاف نظرها.....
۸	بهره گیری از هنر در تشکیلات.....
۹	اُنس با قرآن.....
۱۰	استعانت از خداوند، جهت شناخت راه مستقیم.....
۱۱	کارکرد اخلاق در تشکیلات.....
۱۲	بایدها و نبایدهای کار تشکیلاتی.....

جزوه آموزشی تشکیلات و شبکه‌های تعاملی فهما

تشکیلات، یکی از فرایض هر گروه مردمی است که یک هدفی را دنبال می‌کنند. انقلاب اسلامی ایران هم بدون تشکیلات پیش نرفت و پیروز نشد. "مقام معظم رهبری"

پیشگفتار

کانون‌های فرهنگی هنری مساجد از مراکز توانمند برای تحقق اهداف اصیل انقلاب اسلامی ایران هستند که همواره مطابق با شرایط و اقتضائات زمان و بررسی و احصا نیازهای فرهنگی جامعه، ایفاگر نقش سازنده در جامعه اسلامی بوده اند. حضور مطلوب و اثر بخش کانون‌های فرهنگی هنری در عرصه‌های مختلف با محوریت مساجد، بصورت خودجوش و برخاسته از انگیزه‌های متعهد و استعدادهای ناب انقلابی، مبین کارکردهای مفید و چند منظوره با این ساختار تشکیلاتی منسجم و سرشار از قابلیت است.

ماحصل فعالیت سازنده و موثر این کانون‌ها با اتکال به الطاف لایتناهی الهی و منبعث از تدابیر و منویات رهبر معظم انقلاب در نظام مقدس جمهوری اسلامی، در حوزه‌ی فرهنگی و هنری، به اهتزاز در آوردن پیام‌رهای بخش اسلام ناب محمدی و گسترش فرهنگ قرآنی است.

با این نگاه افزایش سطح تاثیر و ضریب تکثیر بر اقشار مختلف جامعه اسلامی، تقویت انگیزه‌ها، انسجام بخشی فعالیت‌های سازنده فرهنگی با رویکردی عالمانه، خردمندانه و دین مدار با فراهم نمودن بسترهای مناسب در قالب تشکلهای مردمی متناسب با نیازهای جامعه و از سویی دیگر فراهم نمودن بسترهای توانمندی و ایجاد هم‌گرایی، همواره در دستور کار ستاد کانون‌های فرهنگی هنری مساجد قرار دارد.

در این جزوه آموزشی با، تشکیلات کارآمد، بایدها و نبایدها از منظر مقام معظم رهبری که در ادوار مختلف بیان شده است می‌پردازیم، سپس به تبیین اصول حاکم بر فعالیت‌های فرهنگی هنری کانون‌های فرهنگی هنری مساجد و انتظام بخشی آنها می‌پردازیم و در پایان نگاهی به شبکه‌های تعاملی کانون‌های فهما که در سبد برنامه ای کانون‌های فرهنگی هنری مساجد کشور قرار خواهد گرفت می‌پردازیم.

مقدمه

ما اگر بخواهیم در مقابل جبهه دشمن کار کنیم هم باید تنوع داشته باشیم هم باید ابتکار داشته باشیم هم باید انگیزه داشته باشیم هم برنامه داشته باشیم کارمان هدایت شده باشد و این نمی‌شود مگر با تشکیل جبهه، در طول این سال‌ها به افراد متعددی هم، من تکلیف کردم که بروید این تشکلهای مردمی این مجموعه‌ها این واحدهای مردمی را که دارند کار فرهنگی خودشان را می‌کنند بروید اینها را پیدا کنید تشویق کنید متشکل کنید در حدود ممکن پشتیبانی کنید از افراد و حتی مجموعه‌ها به تنهایی کاری بر نمی‌آید باید یک کار وسیع جبهه‌ای انجام داده این کار هم جز با حضور مردم امکان ندارد یعنی ابتکارات مردم خیلی از کارها را می‌کنند.

بیانات در مورخ ۹۲/۰۲/۰۲

بیانات مقام معظم رهبری در خصوص تشکیلات:

تعریف تشکیلات

تشکیلات، یکی از فرائض هر گروه مردمی است که یک هدفی را دنبال میکنند. تشکیلات یعنی نظم، یعنی تقسیم وظایف، یعنی ارتباط و اتصال، و زنجیره ای کار کردن؛ این معنای تشکیلات است. این چیزی است که نه فقط بد نیست، بلکه یک چیز خوب و بلکه یک چیز ضروری است. هیچ کاری در دنیا بدون تشکیلات پیش نمی رود؛ انقلاب اسلامی ایران هم بدون تشکیلات پیش نرفت و پیروز نشد.

بیانات در مورخ ۶۰/۱۱/۲۷

ضرورت های تشکیلات

آرایش نیروهای مذهبی، بایستی یک آرایش دینی، اسلامی و انقلابی باشد؛ این بروبرگرد ندارد.

بیانات در مورخ ۷۸/۰۹/۲۳

ما اعتقادمان این است که بهترین راهی و برترین حربه ای که می تواند این راهها را باز کند و هدایت الهی را و هدایت انقلابی را در ذهنها و جانها بنشانند و به میوه بیاورد، مُمثر بکند؛ یک تشکیلات است. ما عقیده داریم که اگر چنانچه کسانی بخواهند برای انقلاب کار کنند و اینها متشکل نباشند، متجمع نباشند، نخواهند توانست از لحاظ کیفیت و از لحاظ کمیت آن کاری را بکنند که یک گروه متشکل انجام خواهند داد.

بیانات در مورخ ۶۱/۰۹/۱۸

ضرورت داشتن هدف

اگر تشکیلاتی بوجود آمد، اما هدف روشنی نداشت، یا هدف داشت ولیکن برنامه ریزی برای رفتن به سمت آن هدف انجام نگرفت و تشکیلات بیکار ماند، به خودی خود، تشکیلات از هم خواهد پاشید و اگر هم بماند، صورت بی جانی خواهد بود. خاصیت تشکل انسانی این است. هدف را محدّد کنید و مشخص نمایید که می خواهید چه کار کنید.

همدیگر را حفظ کنید و نگه دارید؛ مثل کوهنوردها در جاهای خطرناک که با ریسمان یکدیگر را، کمرها را، به هم وصل می‌کنند؛ یکی اگر پایش بلغزد، پرت نمی‌شود تا آخر کوه؛ وقتی به همدیگر وصل شدند، ریسمان بستند، اگر یکی لغزید، دیگران که هنوز نلغزیده‌اند، او را نگه می‌دارند و بالا میکشند؛ ارتباط و اتصال، اینجوری است.

وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ؛ هم به پیمودن راه حق یکدیگر را توصیه کنید، هم به صبر؛ صبر یعنی استقامت، ایستادگی، ثبات قدم، در مقابل حوادث تلخ نلغزیدن، نلرزیدن، مردد نشدن؛ این عرض ما با شما است.

بیانات در مورخ ۶۸/۰۹/۷

یک کادر برجسته و لایق، کسانی نیستند که لزوماً درس مدیریت یا دوره علوم سیاسی را گذرانده باشند؛ کسانی هستند که هدفها را خوب بفهمند، راهها را خوب تشخیص بدهند، بتوانند خوب تصمیم بگیرند و خوب اقدام کنند.

بیانات در مورخ: ۷۷/۱۱/۱۳

حل شدن در تشکیلات

یک کار تشکیلاتی، یک کار جمعی، خصوصیتش این است که فرد باید خودش را در جمع حل کند، گم کند؛ که این گم کردن، عین بازیافتن به نحو درست است. چیزی کم نمی‌شود از آدم، چیزها افزوده می‌شود. من مثال میزنم به این لیوان آبی که توی آن، یک حبه قند را شما می‌اندازید. این یک حبه قند یک چیز مشخصی است، به قدر خودش شیرینی دارد، به قدر خودش همه چیزهای خوبی که توی قند هست، در این است. وقتی در لیوان آب انداختی، تمام است، یعنی یک دانه از این ذرات ریزی که زیر دندان می‌آمد و صدا میکرد و خودش را نشان میداد که هان! منم؛

یک دانه از اینها باقی نمی‌ماند، تمام حل میشود در آب. در آنجایی که قبل از آن یا بعد از آن، ده حبه قند دیگر هم حل شده. اما به نظر شما از این حبه قند یک ذره اش، یک سر سوزنش از بین رفت؟ هیچ چیز از آن از بین نرفت. این قند یک ذره کم نشد، بلکه یک خورده به آن زیاد شد. زیرا آن مقدار شیرینی ای که در قندهای دیگر بود و در تمام اجزای این آب حل شد، سرایت پیدا کرد. چیزی هم از آن کم نشده، اما آن تشخص خودش را از دست داده، آن فردیت خودش را از دست داده؛ یک تشکیلات باید اینجور باشد. شکل کامل یک تشکیلات درست، اینجوری است که باید فرد در جمع حل بشود. این شکل درست تشکیلات است. البته کاری است در اصل آسان، اصلاً انسان اینجوری است، اما در تجربه و عمل ما که پنجاه سال در اختناق رضاخانی و محمدرضاخانی گذراندیم و اگر خود ما هم این پنجاه سال را با وجودمان لمس نکردیم، اما فرهنگش برای ما به ارث مانده است، ما بر اثر این تجربه طولانی مدت حکومت مطلقه در ایران، در این پنجاه سال اخیر و البته در قبل از آن در ۲۵۰۰ سال اخیر، محکوم به نوعی فردگرایی شدیم. البته شرقی‌ها کلاً فردگرایند،

از قدیم تاریخ شرق، یک تاریخ فردگرایی است. هنر شرق، موسیقی شرق، آهنگ شرق، ورزش شرق. آهنگ دسته جمعی آن طرفها هست، اینجا نیست. ورزش دسته جمعی آنجاها هست، اینجا ورزش کشتی است، مثلاً آنجا ورزش والیبال است، فوتبال است. مثلاً هنرهای گذشته، موسیقی، آن آهنگ دسته جمعی و یک ارکستر مثلاً با همه انواع و اقسام و یک آواز برآمده از چندین حنجره یا چندین دست، این در هنر شرق نیست. اینجا اگر هست، خیلی کمیاب است. به هر حال شرقی ها یک نوع فردگرایی در تاریخ شان هست. اسلام البته درست، نقطه مقابل این عمل کرده است. اسلام همه چیز را جمعی دارد، حتی عبادت. می دانید عبادت یعنی شخصی ترین کار آدم، کار آدم با خدا که هیچ ارتباط به کارهای معمولی و دنیوی و همکاری و تعاون ندارد دیگر، رابطه ای ست بین انسان؛ آن عبادت نوع نیایش و تقدیس را میگویم، نه مفهوم عام عبادت، همین عبادتی که در ذهن مردم هم بیشتر هست؛ این یک رابطه انسان است با خدا. همین را اسلام میگوید دسته جمعی انجام بدهید؛ نماز جماعت، حج و ... به هر حال ما از این روح جمعی اسلام دورماندیم.

بیانات در مورخ ۵۹/۰۳/۲۰

خصوصیات تشکیلات

امام بزرگوار، حضرت جعفر بن محمد الصادق صلوات الله وسلامه علیه فرمود: «إذا لم تجتمع القراة علی ثلاثة أشياء، تعرضوا لدخول الوهم علیهم و شماتة الاعداء بهم»، یعنی در میان یک جمع نزدیک به هم، چه یک جمع خویشاوند و چه یک جمع دوست و چه یک جمع هم کار، اگر این سه خصوصیت نباشد، دچار وهم و سستی و شماتت و ملامت دشمنان خواهند شد. آن سه خصوصیت که در هر جمعی باید باشد این است «و هی ترک الحسد فیما بینهم لئلا یتحزبوا فیتشتت أمرهم» اول اینکه به یکدیگر حسد نوززند زیرا حسد آنها را دسته دسته میکند و کار آنها پراکنده میشود. دوم اینکه با یکدیگر، «و التواصل لیکون ذلک حادياً لهم علی الالفه» دوم این که با یک دیگر ارتباط و رفت و آمد و دیدار داشته باشند، زیرا این، آنها را به همدیگر نزدیکتر میکند و میان آنان الفت برقرار می کند «و التعاون لتمثلهم العزة» سوم اینکه با یکدیگر هم کاری انجام بدهند، زیرا این موجب می شود که عزت همه آنها را در برگیرد. این سه خصوصیت برای هر جمعی که به نحوی با یکدیگر ارتباط و نزدیکی دارند، لازم الرعایه است

بیانات در مورخ ۵۹/۰۶/۱۲

حفظ شعارها

بگذارید به خاطر شعار شما، بعضی ها از شما اجتناب کنند. من این را می خواهم که عدهای حریم انقلابی را حفظ کنند. الان عدهای روی مسایل اصلی انقلاب جرأت پیدا کرده اند! مثل همان که گفت: به بدهکار که رو بدهی، طلبکار میشود زمانی جرأت نمیکردند که در مسایل واضح - نظری تر از این هم - اظهار نظر کنند؛ حالا در مسایل واضح و بینات انقلاب، سؤال و بحث می کنند؛ بحث های موزیانه! والا اگر بحث درست باشد، به نفع ماست؛ ولی اینها بحث های جهت دار موزیانه میکنند

بیانات در مورخ ۷۶/۰۸/۱۲

پایندی به اصول

باید ببینید شما برای چه جهاد و مبارزه و تلاش میکنید و با کمبودها میسازید؟ جز این است که شما مرزبانی میکنید؟ شما مرزی به وجود آوردید و این مرز را میخواهید حفظ کنید در مرز، همه چیز باید مستحکم باشد... به خصوص مرزهایی که از آنجا مورد تهاجم قرار میگیریم. آنجا وقتی که راه میرویم، اگر شعری هم بنا باشد برای مان بخوانند، باید شعر جنگی باشد تا دائماً دشمن را به یادمان بیاورد؛ ما را دائم تذکر دهد که آقا، اسلحه ات ر بوده نشود! طبیعت مرز این است. طبیعت مرز، غیر از داخل محدوده زندگی عادی است. در زمینه هنر، اگر گروه مرزبانمان آن دقت و سواس گونه را در حفظ و رعایت معیارها از دست بدهد، آن وقت مرزهایمان آسیب پذیر خواهد شد. مبدا بگذارید دشمن، که حالا به هر دلیل از امکاناتی برخوردار است - یا خودی بد عمل کرده یا دشمن سرمایه گذاری زیادتر در این مقوله میکند - فضا را طوری برای ما بسازد که ما هم احساس کنیم گویا ناچاریم دنبال او حرکت کنیم!

پایبندی به اصول، آن چیزی است که در یک جهاد حقیقی، شرط لازم است. اول تا آخر بایستی پایبند بود. امام، حکیم واقعی بود. ایشان بارها و بارها، در جاهای مختلف گفتند... که ما برای تکلیف مان کار میکنیم. ما برای وضعیه مان کار میکنیم. ما حتی برای نتیجه هم کار نمی کنیم. ببینید این حرف چقدر حکمت آمیز است! خیلی خوب حالا ما دلمان می خواست فیلم مان پرفروش شود که جوانان استفاده کنند. فیلم با این ترفند پرفروش تر خواهد شد و بیشتر به نتیجه خواهیم رسید که گوشه ای از آن جاذبه جنسی را ما هم به شکل نجیبانه تری، وسط بیاوریم. نتیجه بیشتر مطلوب میشود. اما آیا این تکلیف است؟ تکلیف این است؟ نه؛ تکلیف این نیست. تکلیف این است که ما اصلی را که به آن اعتقاد پیدا کردیم، پای آن را امضا کردیم، با خون هم امضا کردیم، رها نکنیم.

هشت سال جنگ بود. شوخی که نیست! ما برای چه این همه در مقابل دشمن مقاومت کردیم؟ دشمن از ما چه میخواهد که اینطور فشار وارد میکند؟ باید مقاومت کرد. البته من قبول دارم که مقاومت سخت است و عده کمتری آن را برمی تابند، اما این عده کمتر، همان کسانی هستند که «کم من فئه قليلة غلبت فئه كثيرة باذن الله» در این شک نداشته باشید. در این هیچ تردید نداشته باشید. این گونه است که این فئه قليلة، از فئه كثيره که دارای این ویژگی، این خصوصیت و این پایداری نباشد، جلوتر خواهد رفت و بیشتر غلبه خواهد کرد.

بیانات در مورخ ۷۱/۱۱/۰۴

همدلی در تشکیلات

اگر بخواهیم از لحاظ تشکیلاتی، این کار سامان بگیرد و کار اجرایی، دسته جمعی انجام شود، جز با همدلی و همکاری در سطوح بالا امکان ندارد. یعنی اگر دونفر آدم صالح که به خودی خود «من حیث هو هو» صالحند، اما «هما معاً» آنها اشکال پیدا کند و نتوانند با همدیگر همکاری و معیت داشته باشند، اینها هر چند هم صالح باشند، نمی توانند کار راه ببرند.

بیانات در مورخ ۶۸/۰۶/۲۰

سازمان‌های بشری با کار زنده اند. مثلاً اگر شما به یک یگان نظامی، تحرک و برنامه و دستور ندهید، یک ماه که در یک جا بماند، به خودی خود منحل میشود. لازم نیست کسی آن را منحل کند؛ به خودی خود منحل میشود! قدرت و نفوذ فرماندهی در سراسر تمام اجزای این مجموعه است که آن را به حرکت و نشاط در می‌آورد و حیات جمعیشان را حفظ میکند. شما این کار را بکنید؛ یعنی در مجموعه ی خودتان کار را چنان بدمید که تحرک آن دائمی باشد و اصلاً این فکر به ذهن کسی نیاید که ممکن است روزی این مجموعه منشعب یا منحل شود.

بیانات در مورخ ۸۱/۱۱/۰۸

وجدان کار یعنی اینکه اگر کاری برعهده گرفتیم و انجام آنرا تعهد کردیم - چه کار برای شخص خودمان یا خانواده خودمان، جهت نان در آوردن باشد و چه کاری اجتماعی و مردمی مربوط به دیگران باشد؛ مثل امور مهم اجتماعی و مسئولیتهای کشوری - آن را خوب و کامل و دقیق انجام دهیم. به تعبیر معروف، برای آن کار سنگ تمام بگذاریم.

بیانات در مورخ ۷۳/۱/۱

کنار گذاشتن اختلاف نظرها

و توصیه میکنم که از اختلاف نظرها، اختلاف سلیقه‌ها جداً پرهیز کنید. اختلاف سلیقه‌ها را کنار بگذارید، دنبال وجوه مشترک بگردید. من تعجب می‌کنم از کسانی که حاضرند با افرادی که از لحاظ دارا بودن ایدئولوژی مادی و الحادی نقطه مقابل ما هستند، وجه مشترکی پیدا کنند اما با برادران مسلمان شان حاضر نیستند. بگردید دنبال وجوه مشترک. مشترکات بین ما زیاد است. الان شاید به تعداد افرادی که در اینجا حضور دارند در جمع حاضر، نقطه نظرها و سلیقه‌ها وجود داشته باشد؛ اما بالاخره یک انگیزه واحدی، یک وجه مشترکی ما را اینجا جمع کرده است. این وجه مشترک را پیدا کنیم، تقویت کنیم. این یک هوشمندی بزرگ است، این یک هوشمندی لازم است و امروز مسلمان مبارز انقلابی باید این هوشمندی را داشته باشد.

بیانات در مورخ ۵۸/۰۳/۱۶

بهره گیری از هنر در تشکیلات

سندی از اسناد منتشرشده وزارت خارجه آمریکا درباره جریان کودتای بیست و هشت مرداد را ترجمه کرده و برای من آوردند. این اسناد، متعلق به آمریکایی‌هاست. البته عملیات، بین آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها مشترک بوده که در این گزارش، کاملاً منعکس شده است. آن بخش مورد توجه من این است؛ «کیم روزولت» می‌گوید: وقتی ما به تهران آمدیم، یک چمدان پر از مقاله‌هایی که نوشته شده بود

و باید ترجمه میشد و در روزنامه‌ها به چاپ می رسید، و نیز کاریکاتورهایی را با خودمان آوردیم. شما فکرش را بکنید دستگاه سیای آمریکا، برای ساقط کردن حکومتی که با آنها ناسازگار بود و منافع آنها را تامین نمیکرد...از همه ابزارها از جمله از ابزار هنر، علیه آن استفاده کرد. در آن اسناد آمده است که ما به بخش هنری سازمان سیا سفارش کردیم که این چیزها را تهیه کنند.

سیاست اینگونه از هنر استفاده میکند. شما در اینجا میخواهید چه کار کنید؟ آیا شما میخواهید در مقابله با مطامعی که آنها به وسیله هنر به آن می رسند، از این ابزار بهره نبرید؟ این خردمندانه است؟ نه، این خردمندانه نیست.

بیانات در مورخ ۸۰/۰۵/۰۱

هر پیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدنی، هر فرهنگی، مادامی که در قالب هنر ریخته نشود، شانس ماندن ندارد شانس نفوذ و گسترش ندارد و فرق هم بین پیامهای حق و باطل نیست. هنر، یک ابزار فوق العاده است.

بیانات در مورخ ۶۵/۱۰/۲۷

سعی کنید در زیبایی کوشش کنید، سرمایه گذاری کنید، نگویید آقا ما اهل این چیزها نیستیم، این زر و زیورها نیستیم، ما اهل دنیا نیستیم، نه آقام این دنیا نیست، این آخرت است؛ به گردن من ادر زیبایی کاری که انجام میگیرد، کوشش کنید و پول خرجش کنید، هیچ اشکالی ندارد. البته زیبایی که میگویم، نه کارهای تجملاتی زرق و برق دار بی محتوا آن را نمی گویم.

بیانات در مورخ ۶۱/۰۶/۰۵

اُنس با قرآن

از این خجالت نکشیم که آنچه را که اسلامی نیست، غیر اسلامی اعلان کنیم و نپسندیم. ما ایرانی هستیم. ایرانی هزار و سیصد سال است که همه چیزش با اسلام جوشیده و اوج ترقی خودش را از اسلام به دست آورده است. تاریخ ما، تاریخ مدونی است؛ تاریخ پنهانی نیست. ببینید آنچه که هست، مال کیست؟ آنهایی که در فضای اسلامی تربیت شدند، همان‌ها بودند که توانستند شعر را، تحقیقات را، رشته‌های گوناگون فرهنگ و معرفت را که در جامعه ما وجود داشت، در اختیار دنیا و کشور بگذارند. این به برکات اسلام است. لذا است که کار ادبی و به طور اعم، کار فرهنگی، باید در سایه پرتو تعالیم اسلام و فکر و احساسات و ارزش‌های اسلامی انجام گیرد. یعنی آن محقق، آن هنرمند و آن نویسنده، در فضای اسلامی بیندیشد. به نظر من برای این کار، قرآن را در مجموعه خودتان رایج کنید. یعنی آقایان یا خواهرانی که مشغول کار هستند با قرآن اُنس پیدا کنند. قرآن کتاب عجیبی است. افسوس که انسان با کلمات نمی‌توانند آن احساس را بیان کند. به نظر من، قرآن را که کتاب عجیبی است به زبان خودش باید فهمید ترجمه قرآن، نمی‌تواند قرآن باشد؛ اگرچه،

چیزی را نشان می‌دهد. اما به نظر من، چاره کار، با قرآن انس گرفتن است. خصوصیت قرآن این است که اگر کسی عربی هم نداند - اگرچه در محیط فارسی زبان ما، فعلاً اصطلاحات و فرهنگ و کلمات تان با عربی آمیخته است - وقتی قرآن را چند بار با دقت بخواند، به تدریج یک برداشت و فهمی از آن پیدا می‌کند. البته مراجعه به تفاسیر، خوب است. مراجعه به کلمات بزرگان، خوب است. ولی انس با قرآن و نهج البلاغه، چیز عجیبی است! واقعاً نهج البلاغه، تالی قرآن است. یعنی انسان، وقتی با نهج البلاغه انس پیدا می‌کند، می‌بیند چه قدر پُر است و بعد انس با صحیفه سجادیه. ببینید چه چیزهای نابی از اسلام در اختیار ماست و همه چیز اسلام هم درون اینهاست. اینها فوق العاده است. البته نگاه سَرسَری، اصلاً به آدم جواب نمی‌دهد. اگر شما جذابترین آیات قرآن را که یک انسان عارف از خواندنش بیخود می‌شود، جلو آدمی معمولی بگذارید، ولو معنایش را هم بفهمد، همینطور به آن نگاه کند و چیزی دستگیرش نمی‌شود. قرآن تدبیر می‌خواهد؛ مثل هر کلام عمیق دیگر. مگر سخن سعدی تدبیر نمی‌خواهد؟ ترجمه‌ای را که انسان می‌فهمد، حکمتش را نمی‌نوشد؛ مگر اینکه در آن فضا قرار گیرد، انس پیدا کند و تدبیر نماید. اینها برای کسانی که امروز می‌خواهد ادبیات و هنر اسلامی و ایرانی را بدانند لازم است. البته هنر ایرانی، از اول تا آخر، اسلامی است و غیر از اسلام چیزی ندارد. عده‌ای در این ادبیات و هنر، هرچه هم تلاش می‌کنند، از هر طرف هم که می‌روند، باز به اسلام و به قرآن می‌رسند. حال که به نام اسلام، دور هم جمع شده ایم، نباید باز همینطور طبق عادت به سمت ارزش‌هایی برویم که برایمان بیگانه است و اساساً با اسلام کاری ندارد و همان است که در دوران غفلت و خواب، آنها را به ما تحمیل کردند.

بیانات در مورخ ۷۲/۰۷/۱۲

استعانت از خداوند، جهت شناخت راه مستقیم

در هر قدم از راه ما، حقیقتاً یک انشعاب وجود دارد؛ یک سه راهی، یک چهارراهی، یک چندراهی. این صراط مستقیم، گاهی اوقات ممکن است حقیقتاً گم شود. در جاده‌ها گاهی برای انسان پیش می‌آید. انسان همینطور که می‌رود، راهی که علی‌الظاهر مستقیم است، راه یک کورده‌ده است و به یک کورده‌ده می‌رسد. راه اصلی واقعی، انحنایی دارد و آدمی ملتفت نیست که این راه، راه اصلی نیست؛ بلکه خیال می‌کند راه اصلی و مستقیم، همان راهی است که به کورده‌ده ختم می‌شود. شناختن راه مستقیم، کار بسیار مشکلی است و برای تشخیص آن، انسان از خدای متعال باید کمک بخواهد.

بیانات در مورخ ۷۱/۱۱/۰۴

کارکرد اخلاق در تشکیلات

اگر ما مجموعه مقررات و تکالیفی را که در اسلام هست، اینها را مانند اندامها و اجزای یک ماشین در نظر بگیریم که دارد با یک نظم خاصی حرکت می‌کند، اخلاق چه موضعی دارد اینجا؟ در یک دید خیلی سطحی عرفی قابل فهم، اخلاق عبارت است از آن وسیله‌ای که موجب می‌شود این حرکت و هم‌آهنگی میان این اجزا بدون اصطکاک، بدون ساییدگی، بدون زیان و خسارت انجام بگیرد، این اختناق است؛ توجه کردید! مثل روغن این ماشین، ممکن است تعجب کنید، اما واقعیت و حقیقت همین است. اگر در یک جمعیتی از مردم، اخلاق اسلامی حاکم نباشد؛ فرض کنیم همه تکالیف و مقرراتی را که برعهده آنهاست انجام بدهند، بی کم و کاست، آنچه باید پیش بیاید و آنچه مطلوب و مقصود هست، پیش نخواهد آمد. شما یک موتور را که همه چیزش کامل است، بیرون روشن کن و راه برو. راه نمی‌رود موتور روغن در ماهیت این حرکت، این بافت، این ساخت، اثری ندارد؛ در کارکرد اثری دارد، در تداوم کارکرد اثر دارد، در خوب و صاف و نرم کارکردن اثر دارد؛ اخلاق این است.

بیانات در مورخ ۵۹/۰۳/۰۲

امیدواریم انشاالله که همه ما به سوی یک اخلاق برادرانه اسلامی و یک همکاری خوب و سالم چه در داخل تشکیلات و چه در کل جامعه بتوانیم حرکت کنیم. امیدوار باشیم و مطمئن باشیم برای اینکه این راه را تقویت کنیم، این فکر و این خط را تقویت کنیم و به ذهن‌های نابارور و ناقبولی که احياناً وجود دارد بقبولانیم، راه منحصر به این است که ما با اخلاق خوب و رفتار خوب انسانی‌مان، حقانیت و صحت این راه و این خط را ثابت کنیم.

بیانات در مورخ ۵۹/۰۳/۰۲

یک تشکیلات واحد، اولین و واضح‌ترین معنایش این است که افرادی که در این تشکیلات کار می‌کنند، اینها به دنبال یک جهت واحدی، به دنبال گمشده واحدی می‌گردند، آن هم با همکاری و همراهی و همگامی با یکدیگر. پس اخلاق تشکیلاتی، یعنی اخلاق اسلامی تشکیلاتی یعنی اخلاق اسلامی منظم، یعنی چگونگی برخورد دو برادر، دو همفکر، دو هم‌آهنگ، دو هم جهت. اگر دو نفر از دو طرف که با هم صد و هشتاد درجه اختلاف جهت دارند، می‌آیند به طرف هم، این یکجور برخورد است. این برخورد اصطکاک است. اگر کسانی با هم به یک جهت حرکت می‌کنند، این نوع دیگر برخورد است؛ برخورد همکاری، همگامی و همراهی است.

بیانات در مورخ ۵۹/۰۳/۰۲

دو کار را اخلاق اسلامی کلاً به ما تعلیم می‌دهند، یکی اینکه با خلق‌ها و خصلت‌ها و خوی‌های بد در خودمان دائماً مبارزه کنیم و آنها را خنثی کنیم دوم اینکه اخلاق نیک و فضایل را در خودمان به وجود بیاوریم و رشد بدهیم؛ هر دو کار باید به موازات هم انجام بگیرد.

مثلاً یکی از اخلاق‌های مذموم و پلید، «عُجب» است. عُجب یعنی چه؟ یعنی خودشگفتی. این یک خصوصیت است، یک اخلاق است؛ بنده ده ساعت اینجا کار کنم مستمراً، اما از خودم ممنون باشم؛ این را میگویند عُجب. خوب چه عیبی دارد ما از خودمان ممنون باشیم، از خودمان راضی باشیم که داریم کار میکنیم؟ این خیلی معلوم است؛ عیبش این است که تا خیلی از خودمان متشکر شدیم، متوقعیم همه از ما متشکر باشند. ما به این خوبی، به این منظمی، اینجور کار میکنیم، زیاد کار میکنیم، باید همه قدر ما را بدانند دیگر!

بیانات در مورخ ۵۹/۰۳/۰۲

در رابطه با اخلاق تشکیلاتی، اصل همین است، بایستی جوری باشد که انسان، منیتهای خودش را، آن خودمحوری‌ها را در قبال جمع کنار بگذارد، خودمحوری‌ها در چند خصلت بد خلاصه می‌شود، یکی همین عُجبی بود که گفتم. همین خودشگفتی؛ این یکی از بدترین خصلتهاست. این را علاج کنید با مقایسه خودتان با کسانی که بهتر و بیشتر و مؤثرتر از شما کار می‌کنند. علاج کنید با بزرگ کردن عیوب کارتان در ذهن خودتان و بالاخره به هر کیفیتی، این حالت را در خودتان بشکنید. یکی این است. یکی «کبر» است خود را بزرگ دید. البته گاهی کبر همراه می‌شود با برخورد و چهره کبرآلود، که آدم اخم‌هایش را تُو هم می‌گیرد، جواب سلام آن کسی که بیچاره با محبت سلام می‌کند، با خیلی بداخلاقی و طلب‌کاری می‌دهد؛ که بله باید سلام می‌کردی. گاهی نه، رندان و مودیانه این کبر را در دلش و در مغزش قایم می‌کند. ظاهراً خیلی مهربان اما باطن و دل و روح، متنمر و متکبرتر است. هر دویس برای خود دارند این خصلت بد است؛ در درجه دوم برای دیگران و برخوردکنندگان بد است. ما باید خودمان را اصلاح کنیم، زیرا خود را از دیگران بزرگتر دیدن، اول به خود ما لطمه می‌خورد، بعد رشته‌ها را می‌بُرَد. این را بایستی علاج کرد.

بیانات در مورخ ۵۹/۰۳/۰۲

بایدها و نبایدهای کار تشکیلاتی

باید تشکیلات مرتباً زیر نظر باشد حیات یک تشکیلات به این است که مرتب زیر نظر باشد یعنی یک نفر دائماً به تشکیلات نگاه کند این نگاه مثل نور چراغ قوه است و تا زمانی که به یک نقطه افتاده باشد آن نقطه روشن است اما به مجردی که چراغ قوه را برگردانید دیگران نقطه روشن نیست.

بیانات در مورخ ۷۳/۰۴/۲۲

**

شکی نیست که تا تشکیلات نباشد هیچ چیزی بر اساس آن نمی‌شود بنا کرد.

بیانات در مورخ ۷۰/۰۷/۰۴

تشکیلات یکی از فرائض هر گروه مردمی است.

بیانات در مورخ ۶۰/۱۱/۲۰

بنابراین اساس کار تشکیلات است بدون سازماندهی و بدون تشکیلات مدیریت امکان ندارد کار هم پیش نمی‌رود.

بیانات در مورخ ۸۹/۰۴/۲۰

تشکیلات یک چیز خوب و بلکه ضروری است.

بیانات در مورخ ۲۷/۱۱/۶۰

ما اعتقادمان این است که بهترین راهی که می‌تواند هدایت الهی و هدایت انقلابی را در ذهن‌ها و جان‌ها بنشانند یک تشکیلات است.

بیانات در مورخ ۶۱/۰۹/۱۸

نظارت بر زیرمجموعه خیلی مهم است من اصرار و تاکید دارم که مسئله نظارت بر زیرمجموعه خودتان را بسیار اهمیت بدهید.

بیانات در مورخ ۸۷/۰۶/۰۲

هر تشکیلاتی باید منسجم باشد تا مورد اعتماد قرار گیرد ما باید به هم پیوسته باشیم.

بیانات در مورخ ۷۰/۰۲/۰۳

اسلام با هر سلیقه اجتماعی افراد، از همه ما انسجام را، هم افزایی را، به یکدیگر کمک کردن را می‌خواهد.

بیانات در مورخ ۹۴/۰۱/۰۱

آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی عمل، این آزادی‌ها اگر نباشد رشد وجود ندارد. اگر در جامعه، آزادی فکر، آزادی بیان، آزادی اندیشه، آزادی عمل، وجود نداشته باشد رشد در جامعه متوقف خواهد شد. رشد جامعه - رشد معنوی جامعه - و پیشرفت جامعه، حتماً به این آزادی‌ها احتیاج دارد.

اگر یک مدیر عالی وقتش را تقسیم کند شاید بشود گفت که باید نیمی از وقتش را صرف نظارت بر دستگاه خودش و نیمی را صرف کارهای دیگر بکند فکر کردن، سیاست گذاری کردن، دستور دادن، جلسه گذاشتن و از این قبیل. نظارت یعنی دائماً حضور داشته باشید؛ آقا شما داری چکار می کنی؟ این کار چه شد؟

بیانات در مورخ ۷۰/۰۶/۰۳

هر تشکیلاتی که بتواند بافت انقلابی را در خود حفظ کند و ارزش های انقلابی را در تار و پود خود نفوذ دهد قادر به انجام وظایف و کارهای بزرگتر خواهد بود.

بیانات در مورخ ۷۶/۱۱/۲۰

باید استعدادهای خوب و تابناک به صورت صحیح و عادلانه گزینش و وارد مجموعه شوند بروید و آنها را شناسایی و گزینش کنید و به شکل حساب شده ای وارد مجموعه نمایید.

بیانات در مورخ ۸۱/۱۱/۰۸

تشکیلات بایستی مردمی بشود تا مثل نیمه شعبان برگزار گردد خودتان می دانید که برای نیمه شعبان هیچ کس به کسی نمی گوید که بیا یطاق نصرت ببندی اگر هم یک روز بگویند نبندید مردم تشنه تر می شوند که ببندند.

بیانات در مورخ ۷۰/۰۲/۰۳

به نظر من اساسی ترین کار مجموعه این است که برنامه ریخته شود و معلوم گردد که ما از اول تا آخر امسال چه کارهایی را باید بکنیم و تا کجا باید پیش برویم، بعد آخر سال بسنجیم و ببینیم شد یا نشد؟ برنامه های پنج ساله و ده ساله ریخته شود. برنامه ریزی باید اصولی و عمومی و کلان باشد. البته اگر جزئیات هم فرض بشود خوب و لازم است، منتها باید با آن حالت بلندنظری باشد تا انسان بتواند هر شرایطی را به خدمت بگیرد.

بیانات در مورخ ۷۰/۰۷/۲۹

دارای قدرت انعطاف برای انطباق با شرایط گوناگون و پیش‌بینی نشده باشید. در برخورد با مسائل گوناگون توانایی، سرعت و چالاکی داشته باشید.

بیانات در مورخ ۸۲/۰۱/۱۱

قدرت و نفوذ فرماندهی در سراسر تمام اجزای یک مجموعه است که آنها را به حرکت و نشاط در می‌آورد و حیات جمعی‌شان را حفظ می‌کند. شما این کار را بکنید یعنی در این مجموعه خودتان کار را چنان بدانید که تحرک آن دائمی باشد و اصلاً این فکر ذهن کسی نباید که ممکن است روزی این مجموعه منشعب یا منحل شود.

بیانات در مورخ ۸۱/۱۱/۰۸

خطاهای خود را شناسایی کنید و آن خطاها را اصلاح کنید و از خطاهای گذشته خودتان عبرت بگیرید، ما همه به این کار موظفیم و باید از اشتباهاتی که کرده‌ایم و اشتباهاتی که دیگران کرده‌اند، عبرت بگیریم و با دقت پیگیری، اشتباهات و خطاهای خودمان را پیدا کنیم و آنها را برطرف کنیم.

بیانات در مورخ ۸۳/۰۶/۳۱

اگر این پشتوانه فکری و نظری را نداشتید، وسط راه، تشکیلات‌تان در درون خودش ممکن است دچار انحراف شود. دچار رکود و ارتجاع بشود. اگر این پشتوانه نباشد دچار سطحی‌نگری می‌شوید، دچار انحراف می‌شوید، که شما منحرف بشوید تشکیلات‌تان آفت انحراف پیدا خواهد کرد آفت سطحی‌نگری پیدا خواهد کرد.

بیانات در مورخ ۹۲/۰۲/۰۲

یک فرمانده به تنهایی کاری نیست، فرماندهی یک عمود و یک سلسله است. این سلسله باید محفوظ بماند و این با رابطه‌ای صحیح امکان‌پذیر است.

بیانات در مورخ ۶۹/۱۰/۲۲

در زمینه تشکیلات نظراتی است باید اساسنامه نوشته شود، نظام‌نامه نوشته شود، چشم‌انداز نوشته شود. منتهی هیچ‌کدام از اینها بدون یک مدیریت کارآمد امکان‌پذیر نیست کلید همه اقدام‌های مثبت سازمان‌یافته، مدیریت است آن جاهایی که موفقیتی نبوده، ناشی از چند عامل بوده است که کم‌کاری و کم‌ابتکاری از جمله آنهاست و اینها به مدیریت‌ها مربوط می‌شود مدیریت‌های ضعیف معمولاً کارشان، ابتکارشان و گزینش انسان‌های کارآمدشان کم است.

بیانات در مورخ ۷۹/۱۲/۲۲

فرماندهی باید جوهری از رهبری در خودش داشته باشند و بدون آن فرماندهی نیست. فرماندهی، فقط فرمان دادن نیست که بکند یا نکند فرماندهی یک امر معنوی، یک نوع رهبری، یک نوع اداره همه جانبه و یک چیز متکی به ذهن و احساس و عمل و جسم روح است.

بیانات در مورخ ۶۹/۱۰/۲۳

یک شاخص دیگر، مسئله حکمت و خردگرایی در کارهاست، کار کارشناسی مطالعه درست، ملاحظه جوانه و آثار و تبعات یک اقدام و حتی گاهی ملاحظه تبعات یک اظهارنظر در کارها لازم است.

بیانات در مورخ ۹۲/۰۶/۰۶

تقوای الهی به درد می‌خورد، تقوا زره‌ای است که اگر انسان آن را پوشید تیرهای زهرآگین فساد و گناه در او کارگر نخواهد شد و او را از پا نخواهد انداخت، تقوا حصن منیع انسان است. اینکه این همه ما را به تقوا توصیه کرده‌اند به خاطر همین است. بسیاری از خطاها و انحرافات که مشاهده می‌کنید ریشه فکری ندارد، نه اینکه خیال کنید یک ایدئولوژی است که کسی را به این نحوه عمل کردن وادار می‌کند نه، ریشه بسیاری از اینها در نفسانیات خود انسان است، یک جا پای انسان می‌لغزد و جلوگیری نمی‌کند، این لغزش ادامه پیدا می‌کند و انسان درصدد توجیه بر می‌آید و برای خودش ایدئولوژی می‌سازد.

بیانات در سال ۱۳۷۴

یکی خسته شده، یکی کار بلد نیست، از یکی گاهی اشکالات بزرگ سر می‌زند، یکی خوب است اما برای این مرحله خوب نیست یعنی کار بزرگی که شما می‌خواهید انجام دهید، کار او نیست یکی دیگر لازم است، فوراً تیم را عوض کنید. درست مثل مربی کهنه‌کار

یک تیم ورزشی که بیرون یا نزدیک میدان ایستاده و دائم بازیکنان خودش را زیر نظر دارد. یکی خسته شده، او را از بازی بیرون می‌آورد، یا یکی بد بازی می‌کند یکی ناهماهنگ بازی می‌کند، بازی شخصی و فردی می‌کند، فوری اینها را اخراج می‌کند و یکی دیگر را به جایش می‌فرستد، یکی هست بازیش بد نیست اما الان در میدان به یک کار برجسته نیاز است لذا بازیکن ذخیره‌ای که روی نیمکت نشسته است را وارد میدان می‌کند که می‌داند که او می‌تواند یک حرکت برجسته را بکند، مربی با کسی رودربایستی ندارد هیچ بازیکنی هم از هیچ مربی گله‌مند نمی‌شود. مربی این ملاحظه را نمی‌کند که اگر خواست فلان بازیکن را بیرون کند او می‌گوید من هنوز می‌توانم بازی کنم چرا نگذاشته‌اید؟ این حرف‌ها وجود ندارد ولی همیشه ذخیره داشته باشید.

بیانات در مورخ ۸۰/۰۶/۰۵

باید مواظب خودمان و زیردست هایمان باشیم باید مواظب باشیم که اولاً کار انجام بگیرد ثانیاً درست انجام بگیرد، یعنی غلط و بد انجام نگیرد، محکم انجام بگیرد، گاهی می‌شود که دو تا چکش باید روی میخ زد تا محکم بشود اگر یکی زدی این سست کاری است، اولاً اصل انجام گرفتن است، ثانیاً در جهت بودن و درست بودن است، ثالثاً محکم کاری است، رابعاً سرعت عمل است.

بیانات در مورخ ۷۰/۱۰/۲۰

هر مدیری باید زیرمجموعه خودش را زیر چتر حمایت خودش قرار بدهد و الا آنها نمی‌توانند کار کنند.

بیانات در مورخ ۷۰/۰۶/۰۲

برای نگه داشتن تشکیلات بلاشک احتیاج دارید به اینکه مرتب نفس و خون جدید وارد آن کنید چون یک مجموعه بسته و بدون تبدل خون و هوای آزاد، بعد از مدتی به طور طبیعی فرسوده و کهنه خواهد شد.

بیانات در مورخ ۸۱/۱۱/۰۷

فرض کنید که یک پایگاه اینترنتی تشکیل دادید که مراجعه کننده ندارد یا کم دارد، فوراً برگردید به عقب و ببینید علت آن چیست؟ یعنی آسیب‌شناسی. محاسبه ناموفقیتی‌ها. همیشه این محاسبه را انجام دهید. دقیقاً مثل همین جنگ سخت. اگر ما حمله کردیم و دیدیم موفق نشدیم برمی‌گردیم و محاسبه می‌کنیم که ببینیم علت آن چه بوده است.

بیانات در سال ۱۳۹۲

مطلب دیگر این است که شما بضاعت و توانایی‌تان را شناسایی کنید و براساس آن فعالیت‌هایتان را تعریف نمایید. یعنی زیاده‌تر از سرمایه تعریف موضوع و کار نکنید، ببینید سرمایه انسانی و سرمایه مالی و مادی چقدر است، فرض کنید شما می‌توانید یک مجله خوب راه بی‌اندازید، ده مجله و پنج مجله راه نیندازید.

بیانات در سال ۱۳۹۲

همین شایسته سالاری که امروز بر زبان ما ها تکرار می‌شود به معنای واقعی کلمه باید مورد توجه باشد. امیرالمومنین علی^{علیه‌السلام} سفارش می‌کند نه از روی دوستی و رفاقت کسی را انتخاب کن و نه از روی استبداد و خودکامگی، از نیروهای مخلص و با کفایت غفلت نکنید.

بیانات در مورخ ۸۴/۰۷/۱۷

انتقادپذیری را در خودتان نهادینه کنید باید جوری باشید که انتقادپذیری را در نفس خودتان پذیرا باشید البته این کار، سخت هم هست، اما باید با سعه‌صدر برخورد کرد که: «آله الرئاسة سعه الصدر» اگر بخواهید مدیریت کنید ناچارید سعه‌صدر داشته باشید و یک چیزهایی را عمل کنید برای شنیدن نقد سینه‌ی گشاده و روی باز و گوش شنوا داشته باشید هیچ ضرر نمی‌کنید از اینکه از شما انتقاد کنند.

بیانات در مورخ ۸۶/۰۶/۰۸

یکی از مشکلات عمده ما پیگیری نکردن است. کار را خوب شروع می‌کنیم اما پیگیری لازم همیشه وجود ندارد در بعضی از موارد؛ چرا؛ هر جا خوب پیگیری کردیم به نتایج خیلی خوب هم رسیدیم در بسیاری از جاها هم کار، وسط کار متوقف می‌شود پیگیری نمی‌شود؛ این یکی از مشکلات اساسی است به این مسئله توجه کنید که پیگیری بسیار مهم است.

بیانات در مورخ ۹۳/۱۲/۱۷

تشکیلات می‌تواند مَعبد باشد ولی مبدا تبدیل به معبود گردد، اصول و ارزش‌های عقیدتی و معنوی خودتان را در قالب تشکیلات حفظ و بر صمیمیت و همدلی بین اعضا تاکید کنید.

بیانات در مورخ ۹۲/۱۱/۲۳

جدی بودن در کار، آرام نداشتن برای کار، احساس مسئولیت برای اصل اقدام و کار و وظیفه‌ای که بر عهده گرفته‌اید بسیار مهم است، به همین جهت هم هست که اگر کسی واقعاً در بخشی از بخش‌ها احساس می‌کند که کفایت لازم برای این کار را ندارد معلوم

نیست که پذیرش آن کار مشروع باشد. چون قبول این کار به معنای این است که تعهد کند و بپذیرد که این کار را به انجام برساند این بدون کفایت و لیاقت امکان پذیر نیست.

بیانات در مورخ ۷۲/۰۵/۱۲

در زمینه کار سازمانی و تشکیلاتی، از کاغذبازی و اداره‌بازی پرهیز کنید. این توصیه را جدی بگیرید و هرچه می‌توانید مورد توجه قرار دهید که بسیار مهم است. دیگر اینکه تشکیلات را حجیم نکنید. در نظر داشته باشید که پرحجم کردن تشکیلات، وقتی که انسان نتواند به کارها برسد، مثل بدن‌های خیلی بزرگی است که قلب‌های ضعیفی دارند. صاحبان بدن‌های بزرگ، غالباً سرانگشتان پاهای‌شان یخ کرده است و دچار نارسایی خون به قلب می‌شوند. آدم از این نگران است. حالا اگر مثلاً خون به آپاندیس نرسد، چندان جای نگرانی نیست؛ چون آپاندیس تقریباً یک عضو زاید است. یا مثلاً به کیسه صفرا اگر یک وقت خون نرسد، انسان چندان نگران نمی‌شود. اما یک وقت است که خون به چشم نمی‌رسد. این واقعاً غصه دارد. وقتی حجم کار زیاد شد، گسترده شد و روز به روز گسترده‌ترش کردیم، همین مشکلات به وجود می‌آید «قلیل یدوم، خیر من کثیر منقطع» آن کمی که استمرار داشته باشد، بهتر از آن زیادی است که گاه هست و گاه نیست. این در روایات هست.

بیانات در مورخ ۷۱/۱۱/۰۴

باید طلبگی کار کنیم. باید فقیرانه کار کنیم. نه اینکه پول نخواهید، نه اینکه امکانات نخواهید، نه اینکه دنبالش نروید. چرا بروید، اما اگر نشد؛ ره چنان رُو که رهروان رفتند؛ یعنی با همان کمبود و فقر... آنهایی که در این کارها و در این خط‌های تبلیغ اسلام بودند، با چه تنگ‌ناها و سختی‌هایی کار میکردند. می‌شود از این کارها کرد. ما همانیم؛ ما فرقی نکرده‌ایم. باید مقداری به معنویات و درون خودمان تکیه کنیم. معنویات که می‌گوییم، منظورم این است که به آن استعدادهای درونی و آن چیزهایی که در ما هست و متوقع از ماست باید تکیه کنیم. این چشمه‌ها را باید از درون خودمان بجوشانیم؛ و الا این سختی‌ها هست. بالاخره با همین چیزهایی که موجود هست باید کار را پیش برد. با هرچه که ممکن است و با همین مقداری که امکانات در اختیار شماست، تمام تلاش‌تان را بکنید و استعدادتان را به کار بیندازید.

بیانات در مورخ ۷۲/۰۲/۰۶